



۲۰۱۶/۱۰/۱۸

مصطفی عمرزی

آیا به ایجاد پوهنتون بزرگ اسلامی در افغانستان، نیاز داریم؟

(پیرامون اعمار پوهنتون اسلامی از سوی عربستان سعودی)

وقتی نماینده گی قم (حوزه ی علمیه ی خاتم النبیین که بعداً به دانشگاه... تعدیل شد) گشوده شد و در مدتی که فارغان مدارس دینی پاکستان و حوزه های تعصب، در افغانستان، قربانی های زیادی گرفتند، کمتر کسی پیدا شد. با دید ژرف، مساله را تحلیل کند. حوزه ی علمیه ی خاتم النبیین، ضرورت فرهنگی و مدنی عنوان شد و از جانبی هشدار دادند که نیاز های جامعه ی ده درصد اهل تشیع افغانستان، ایجاباتی دارد که باید در کشوری که نود درصد اش اهل سنت است و فقط چند فاکولته ی شرعیات دارند و همچنان محتاج مساجد می مانند، اولویت های شیعیان آن قدر زیاد اند که باید از پول های به ظاهر جهادی شیخ آصف محسنی که سهم جهادی جالبی هم ندارد، درست شود و تمامی مدیریت ساختمانی، اجندای درسی و بالاخره میلیون ها دالر برای چرخاندن این چرخه ی آخندی که طی یک دهه، مصارف آن بالاتر از قیمت ساخت و ساز آن خواهند بود و معلوم است که هیچ محسنی ای که فاقد تجربیات سرمایه داری ست، پول جهادی بیشتری نخواهد داشت تا آن را همیشه بچرخاند، از سوی ایرانیان صورت گیرد. طرف مقابل این جریان، با طیف مخالفان مسلح، نیازی به نقد ندارد و همه چیز آشکار است، اما آن چه مهم است، وقتی تفکراتی باعث می شوند تا ما با دو پدیده ی متضاد (شیعه و سنی خارجی) مواجه شویم که وقتی با تولیدات حوزه ی به اصطلاح علمیه ی ... بحث کنیم، فارغان مذهبی این نهاد، پیش از آن که دارایی های مهم علمی داشته باشند، حتی در جامه ی روحانی، مدعی می شوند که افغانستان، ایران شرقی ست و خدا می داند دیگر چه افغانستان ستیزی هایی در آن جا درس داده می شوند و در سوی دیگر، فارغان مدارس دینی پاکستان، تخریب افغانستان را وجبیه ی اسلامی خیال می کنند و این هر دو طرف، هم در حال و هم در آینده، افغانستان را با ایجاد معضلات تهدید می کنند، اما وقتی برای اولین بار کوشش شد پوهنتونی ایجاد شود که نه فقط مشکلات دینی مردم دیندار ما را حل کند تا دیگر مجبور نباشند فرزندان خود را تحویل حوزه های دینی ضد افغانستان دهند و مهمتر از همه، چنان نهادی به وجود آید که مشکل نود درصد اهل سنت افغانستان مرفوع شود، چنان هیاهویی درست می کنند که از سایکولار های غربگرا تا طرفداران ولایت فقیه ردیف دارد و کسی هم خودش را زحمت نداد که اگر این پوهنتون فقط با این بهانه که روی ارزش های اسلامی- و هابی کار می کند، مسدود شود، اینان باید پاسخ می دادند که چه خیری از فارغان مراکز داشته ایم که یا ایرانی اند و یا پاکستانی.

اگر عاقلانه فکر کنیم، با مدیریت این مرکز (پوهنتون اسلامی) که یکی از بزرگ ترین مراکز اسلامی در سطح منطقه خواهد بود، نه فقط فارغانی خواهیم داشت که برخلاف تبلیغات ضد و هابیان، روشننگری های زیادی دارند تا اسلام را امروزی تر بشناسیم، بل با مدیریت افغانی این مرکز، فارغان این پوهنتون، کسانی خواهند بود که برخلاف محصلان نماینده گی قم و مدارس پاکستانی، افغانستان و افغان بودن خودشان را فراموش نکنند.

اگر شعور سیاسی وجود داشته باشد، این مرکز بزرگ اسلامی، سیاست های افغانی را کمک خواهد کرد در جهت منافع افغانستان، محصلانی داشته باشیم که حداقل با سنت بی طرفی فرهنگ افغان ها، وقتی از ایران و پاکستان اند، پس از فراغت، افغانستان را ایران شرقی و راهی به سوی جنت نشمارند.

تبلیغات میان تهی، به اصطلاح مدنی و روشنفکری که ناخودآگاه، زیر تاثیر ولایت فقیه نیز قرار می گیرند، شماری را واداشته اند برای جلوگیری از ایجاد پوهنتون اسلامی ای که توسط عربستان سعودی تمویل می شود، خود مان را چهارپا بسازیم و از خیر این مرکز بگذریم- تا همچنان الاغی بمانیم برای سوارکاری سیاسی دیگران.

مفاد پوهنتون اسلامی با حمایت دولت عربستان، هزار مرتبه بیشتر از ضرر آن است و در شرایطی که با تولیدات ملایبی ایرانی و پاکستانی، موضع سیاسی می سازند، برای تقابل سیاسی به پوهنتون اسلامی ای ضرورت داریم که افغانان مسلمان را فراموش نکنند.

در حالی که مراکز بزرگ عمرانی، در شمار تاسیسات بزرگ زیر بنایی، ضرورت اساسی در ساماندهی اجتماعی به شمار می روند، مفاد اقتصادی آن ها در گونه ی پوهنتون ها، باعث به میان آمدن محور های بزرگ انسانی می

شود. اگر موفق شدیم و از خیر پوهنتونی که تحفه ی دم نقد است، به خوبی استفاده کردیم، معیار های علمی، تمرکز بشری، صرف هزینه ها و تامین نیاز های اولیه ی این مراکز، در جامعه ی ما که حتی در حد شخصی، نیاز به ایجاد شغل دارد، هزاران شغل کوتاه مدت و دراز مدت ایجاد می کند تا در حول این تاسیسات، از امور ساختمانی و تامین نیاز های آن از بازار داخلی- تا رشد طیف جدیدی از نخبه گان افغان که باید با طرح های از قبل، سطح کیفیت علوم انسانی را نیز بلند ببرند، مراکزی چون پوهنتون های بزرگ اسلامی، به بخش قابل ملاحظه ای از چرخه ی فعالیت های مدنی، اقتصادی و فرهنگی ما مبدل خواهند شد و هم در سطح ولایات و پایتخت، نقش نمادین عمرانی آن ها باعث کیفیت نگرش در ساخت و ساز می شود.

یادآوری:

پس از آن که مشاهده کردند، بازار آزاد افغانستان، هیچ تعهدی در قبال منافع افغانستان ندارد، نام حوزه ی علمی ی خاتم النبیین را با نام دانشگاه خاتم النبیین، تعویض کردند و این کار را عمداً انجام دادند؛ زیرا تا پیش از این تعویض عمدی، نام حوزه ی علمی با آن ترکیبات عربی، مشکل ساز نبود. در افغانستان، کلمه ی پوهنتون با جا افتاده گی ای که دارد، کاربرد عام یافته است و متأسفانه بر اثر سیاست های بیرونی و شماری از عوامل بیگانه، از کلمه ی دانشگاه، بسیار عقده مندانه در برابر کلمه ی پوهنتون، استفاده می کنند و این باعث شده است تا رواج مترادف دری کلمه ی پوهنتون که ظاهراً دانشگاه است، سیاسی شود و با ایجاد تنش های ناشی از آن، دشمنان کوشش کنند در جهت مقاصدی که از راه دانشگاه های چون نماینده گی قم در کابل، دنبال می کنند، فرصت ها را برای از همپاشی فکری افغانان، بیشتر سازند.

پایان

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ